

سحر و جادو از دیدگاه قرآن و سنت

تألیف:

فهد بن سلیمان القاضی

با مقدمه:

محمد عاشور پلنگی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaiislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۳
مقدمه مؤلف	۸
عوامل گرفتاری به سحر و چشم زخم	۹
۱- ضعف توحید خداوندی در قلبها:	۹
۲- ترک بعضی واجبات و انجام دادن برخی محرمات:	۱۰
۳- غفلت از ذکر الله ﷻ:	۱۰
پاداش از نوع عمل:	۱۱
حکم سحر و رفتن به نزد فالگیران	۱۴
چگونه از شر سحر و چشم زخم در امان بمانیم	۱۷
روش معالجه	۲۰
☞ معوذتان:	۲۰
☞ خواندن سوره فاتحه:	۲۰
☞ از دعاهای گرانقدر:	۲۱
معالجه کسی که بر اثر اصابت سحر نمی تواند با همسرش همبستر بشود	۲۳
معالجه کسی که مبتلا به چشم زخم شده است	۲۶
چگونه خود را تعویذ بنمائید	۲۷

۲۹	تعویذ
۲۹	فوائد تعویذ خود بوسیله خویشتن، از جمله
۲۹	کیفیت تعویذ
۳۱	تنبیها
۳۳	کلمات نامأنوس در کتاب، برگرفته از فرهنگ عمید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات، والصلاة والسلام على الرحمة المهداة والنعمة المسداة؛ سيدنا محمد وعلى آله وصحبه ومن دعا بدعوته واهتدى بسنته وجاهد جهاده إلى يوم الدين...
انسانها از بد و زندگی در این دنیا در ناملايمات قرار گرفتند و در پس مشکلات به یک راهکارهای مادی و معنوی نیاز داشتند تا سختیهای زندگی را پشت سر گذرانند.
لذا جامعه بشری گاهی دچار گمراهی‌ها می‌شد و این بدعت‌ها و خرافات چنان آنها را تحت تأثیر قرار می‌داد که راه درست از خطا قابل تشخیص نبود و چه بسا این گمراهی‌های جامعه و تمدنی را در ورطهٔ هلاکت سوق می‌داد.
امروزه بشر با پیشرفت قابل توجه خود همچنان گرفتار چنین مسائلی است؛ زیرا کمتر به مسائل معنوی که نیاز اساسی بشریت می‌باشد، پرداخته است. هر چند در مسائل مادی خطاهای زندگی و شیوه رفاهی خود را به کمترین حد رسانده ولی به دلیل توجه بیش از حد به این مسائل از جنبه دینی و معنوی آن غافل شده است.
یکی از این مسائل، که زندگی ما را بیشتر تحت تأثیر قرار داده است، سحر و جادو یا استفاده بشر از نیروهای مافوق بشر برای یافتن راه علاج برخی مشکلات روحی و روانی است. از آن جا که احتیاج به نیروهای طبیعی و ما فوق طبیعی جزء نیازهای فطری انسانها است، انسان برای پرکردن این نیاز، به و سائلی پناه برده است که یکی از آن وسایل سحر و جادو می‌باشد.
«سحر»^(۱)، کاری است که آدمی می‌تواند به وسیلهٔ دمیدن و تکرار بعضی کلمات یا

انجام بعضی اعمال قوای فوق‌العاده عظیم جهان را به نفع خود قبضه کند»^(۱). هر چند در بعضی مجالس پیشگویی، مطالب ضد و نقیضی گفته می‌شود که بیشتر با دروغ همراه بوده کمی غیب‌گویی و آینده‌نگری آن را با واقعیت نزدیک کرده است، چنانچه در خیال انسان درست جلوه‌گر می‌شود. بهتر است این مسأله را از دیدگاه اسلامی مورد بررسی قرار دهیم، آیا از غیب صحبت کردن یا بیماری لاعلاج را شفا دادن و درد مزمنی را خوب کردن از طریق سحر یا احضار روح و... درست است یا نه؟.

در قرآن آیات بسیاری آمده است که طی آن روح مردگان در جایگاهی که خداوند برای آنها قرار داده به سر می‌برند، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا ۖ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ

الْعَذَابِ ﴿٦٦﴾ [غافر: ۶۶].

«اینک هر صبح و شام بر آتش عرضه می‌شوند و روزی که رستاخیز بر پا شود فریاد می‌رسد که فرعونیان را در سخت‌ترین انواع عذاب درآورید».

همچنین در آیات ۸۳ تا ۹۵ سوره واقعه درباره ارواح بهشتیان و ارواح جهنمیان و جایگاه آنها در عالم برزخ سخن می‌گوید که هیچ ارتباطی با جهان مادی ما ندارد گویای آن است که ارواح انسانها در کجا قرار دارد و چگونه بعد از مرگ با آنان برخورد می‌شود. پس چگونه ممکن است ارواح کافران ملحد و نافرمان، از هر قید و بندی رها و آزاد باشند بطوری که بتوانند هر جا بخواهد بروند و به درخواست هر کس جواب دهند و هیچ‌گونه مراقب و نگهبانی برای آنان نباشد.

در حدیثی از صحیحین بخاری و مسلم روایت شده است؛ ظاهراً پیامبر اکرم ﷺ در جنگ بدر، اجساد مشرکین را در چاهی انداخته است و خود بر سر چاه می‌آیند و با نام‌بردن از کشته‌های آنان با آنها صحبت می‌کند وقتی اصحاب با این صحنه روبرو

۱- جان بی، ناس، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، پرویز اتابکی تهران ۱۳۷۷، چاپ نهم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

می‌شوند از رسول اکرم ﷺ سؤال می‌کنند: آیا مردگان سخن می‌گویند ایشان پاسخ می‌دهند: آنها سخنان من را بهتر از شما درک می‌کنند ولی توانایی جواب دادن را ندارند^(۱)، پس اگر ارواح آنان چنانچه با پیامبر خدا ﷺ نتوانستند صحبت نمایند، چگونه می‌توانند با افراد دیگر به سخن پردازند. اگر شک کنیم که اینان (جادوگران) با فرشتگان در ارتباط هستند این ظن با آیات قرآن بر طرف می‌شود که می‌فرماید:

﴿لَا يَسْقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۷].

«در هیچ سخن بر خدا پیشی نمی‌گیرند و خود به دستور او کار می‌کنند».

پس جای تردیدی نیست که نیروهای مافوقی که اینان ادعا می‌کنند همان نیروهای مخفی عالم جن و شیاطین هستند و در اندیشه پاک اسلامی چنین چیزی جایگاهی ندارد^(۲) چون وجود شیاطین همانند فرشتگان یک امر مسلم است که قرآن می‌فرماید:

«ما من أحدٍ إلا وله شيطان»^(۳) «هیچ کس نیست مگر اینکه همراه او شیطانی هست».

پس چه بسا آنان که ادعای می‌کنند تا دردهای مزمن را برطرف می‌کنند کسانی نیستند جز آنهایی که با کمک گرفتن از اجنه و شیاطین اطلاعات شخصی افراد را می‌گیرند و به آنها بازگو می‌نمایند و این، خود، خلاف سنت پاک نبوی است چرا که پیامبر اکرم ﷺ چنین اموری را ناپسند می‌دست و به اصحاب خود توصیه می‌کرد که در هنگام دچار شدن به درد و مصیبتی به نزد طبیب مراجعه کنند و به خدا توکل نمایند. بنابر احادیثی از داروهای طبیعی هم نام می‌برند، ایشان می‌فرمایند:

۱- (مترجم)- البته این از معجزات پیامبر اکرم ﷺ بوده است که مردگان صدای آن حضرت را شنیدند ولی در آیاتی مانند: ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾ [فاطر: ۲۲]. «و تو آن کسی را که در گورستان فرو رفته هرگز شنوا نتوانی کرد بر عدم توانایی مردگان به شنیدن صدای زندگان تأکید شده است» - ترجمه الهی قمشه‌ای.

۲- منظور نفی وجود جن و شیاطین نیست بلکه عدم استفاده و پناه بردن به این شیوه است.

۳- صحیح مسلم.

«الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: شَرْبَةِ عَسَلٍ، وَشَرْطَةِ مِحْجَمٍ، وَكَيْةِ نَارٍ، وَأَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الْكَيْ»^(۱). «شفای بیماران منحصر در سه چیز است: شربت عسل و نیشتر حجام و داغ کردن. و امتم را از داغ کردن منع می‌کنم».

به این ترتیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روش‌های درمان و شفابخشی مریضان طبق عرف زمانه خود نام برده‌اند ولی امروزه با پیشرفت علم بشری و استفاده از اسباب خداوندی که در طبیعت به طور آشکار مشاهده می‌شود، این امر بهتر تحقق می‌یابد. چرا که مسلمانان باید بدانند، تنها با جبران خلأهای عقیدتی و تلاش در کشف پدیده‌ها برای شناخت بهتر خداوند، می‌توانند خود را به کاروان تمدن بشری برسانند و چه بسا از آن پیشی بگیرند و از پدیده‌های پوچ و بیهوده که فقط برای عقب‌ماندگی جامعه بشری ساخته شده است، دور باشند و بیش از هر زمان دیگری از معنویات دینی و عقاید پاک شریعت و ایمان قوی خود بهره‌برند و شب و روز در تلاش باشند تا با واقعیات آفرینش انس بگیرند.

چرا که این احضار روحها و سحر و جادوهایی که در جامعه بشری وجود دارد چیزی نیست جز ساخته‌افراد ملحد و مادیگری که کمبود معنوی خود را بدین طریق پرمی‌کنند، در حالی که خود به چنین امری اعتقاد ندارند و بدین طریق به عناد و سرپیچی خود می‌افزایند و افراد بسیاری را گمراه می‌سازند پس وظیفه ماست که با برگزیدن افکار پاک اسلامی و ایمان راسخ و با زیرکی تمام از تاریکی که در جامعه بشریت بخصوص در بین مسلمین حکمفرماست به مبارزه برخیزیم زیرا تنها کسی که از غیب خبر دارد و از آینده خبر می‌دهد خداوند متعال است حتی خداوند عزوجل به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾^(۲)

[النمل: ۶۵]. «ای رسول خدا بگو که در همه آسمانها و زمین جز خداوند کسی از علم و غیب آگاه نیست».

﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾ [الأنعام: ۵۹]. «کلیدهای غیب تنها نزد او

است جز او کسی آن را نمی‌داند».

مسئله دیگری که در جامعه ما نمایان است فال حافظ می‌باشد چرا که این مسأله یک پدیده روانشناختی است چه بسا به خاطر تجربه‌هایی که افراد در زندگی دارند و حوادث زیادی از جمله (سفر- پولدا شدن - ازدواج، آشنایی، مرگ و...) در زندگی انسانها اتفاق می‌افتد با اشعاری که در ابیات حافظ در این مسائل صحبت کرده است تلفیق می‌نمایند و بدین وسیله با احساسات و عواطف مردم بازی می‌کنند. ولی این کار برای یک انسان عالم و آگاه عمل ناپسندی است، بجای اینکه مردم را به راه راست هدایت کنند و آنها را در برابر سختی‌ها و مصائب که همواره در زندگی انسان رخ می‌دهد یاری دهند بدین وسیله آنان را در برابر این همه مسائل گمراه می‌کنند.

بر هر مسلمانی واجب است تا از این مسائل دوری کند چرا که قضا و قدر و سرنوشت انسان بنابه راه‌هایی که خداوند در اختیار انسان قرار داده در دست خود او است نه دیگران. مسائلی چون صداقت، اعتقاد پاک، اخلاق خوب، دوری از پلیدی‌ها و کمک و مساعدت‌ها است که انسان را در صراط مستقیم خوشبختی و سعادت قرار می‌دهد. پس تنها با یک وسیله می‌توان پیشرفت مادی و معنوی مسلمانان را هموار کرد و راه پیشرفت مادی و معنوی انسان را بر افق بیکران هستی باز کنیم. آن اینکه دوباره به انوار عالی قرآن و سنت که از مشرق زمین طلوع کرده است و همچنان روشنایی خود را بر همگان عرضه می‌دارد، رو بیاوریم و از آن استفاده نماییم؛ تا زمانی که ایدئولوژی و عقیده یک ملت درست نشود و نحوه تفکر آن نسبت به جهان تغییر نکند و در راستای کمال قرار نگیرد آن ملت سیادت و بزرگی پیدا نمی‌کند و موجب پیشرفت مادی و معنوی اجتماعش نمی‌گردد.

در پایان از استاد بزرگوار جناب مولوی عبدالرحمن سربازی و سایر دوستانی که در ترجمه این اثر بنده را یاری نمودند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

عاشور محمد پلنگی

۸۰/۱۱/۱۱

مقدمه مؤلف

الحمد لله حمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. وبعد...

حکمت خداوندی چنان اقتضا کرد تا انسان را در درد و رنج و سختی بیافریند، و دنیا را خانه‌ی سختی برای [آزمایش انسان] قرار دهد تا بدین وسیله گناهان مؤمنان را بپوشاند و مقامشان را بالا ببرد و عذابی برای کافران و مایه بیداری برای تمام انسانها باشد، تا به دنیا اعتماد نمایند و بدان دل نبندند، بلکه نسبت به آن سرای دیگر آگاهی یابند و تشویق بشوند که اهل آن زنده‌اند و هیچگاه نمی‌میرند و سالم و تندرستند و هرگز مریض نمی‌شوند، جوان هستند و هرگز پیر نمی‌گردند، سعادتمند هستند و هرگز دچار مشکلات نمی‌شوند.

از جمله آزمون‌ها ابتلائی که بعضی مردم به آن دچار می‌شوند، سحر و چشم‌زخم هستند و هر دو از طریق شرع و تجربه ثابت و اخیراً این دو بیماری شایع شده است و کسانی که از آنها شکایت می‌کنند، زیاد شده‌اند. اگر فرد مسلمان در کتاب خداوند (عزوجل) [قرآن] [و سنت رسول اکرم ﷺ] تفکر و تدبیر کند، سبب ناخوشی و راه علاج آن را خواهد یافت.

عوامل گرفتاری به سحر و چشم زخم

خداوند عز وجل [در قرآن کریم] می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [یونس: ۴۴].

«خداوند عز وجل به مردم ستمی نمی کند بلکه این مردم هستند که (با اختیار کفر و ترک ایمان) به خویشتن ستم می نمایند». و همچنین خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰]. «آنچه از مصائب و بلا به شما می رسد به خاطر کارهایی است که خود کرده اید. تازه خداوند از بسیاری (از کارهای شما) گذشت می کند که شما از آنها توبه نموده اید و یا با کارهای نیک آنها را از نامه اعمال زدوده اید». بنابر این گناهان ما عامل مبتلا شدن ما هستند که از جمله آن [عوامل] عبارتند از:

۱- ضعف توحید خداوندی در قلبها

شرک در اشکال معینی محدود نمی شود، بعضی مردم وجودشان را از بعضی اعمال شرک آمیز پاک و سالم می دانند، گمان می کنند که توحیدشان کامل است و خود را از شرک اکبر و اصغر پاک می دانند. شرک اکبر یعنی: صرف هر نوع عبادت غیر خدا است، همین طور توکل کردن بر غیر خدا، اعتماد کردن بر غیر خدا چنان اعتمادی که بر خدا عز وجل اعتماد می شود و اعتقاد به اینکه این نفع و ضرر از جانب غیر خداست نیز شرک است و همچنین اگر کسی چیزی را دوست داشته چنان که می بایستی خدا عز وجل را دوست داشته باشد، چنین شخصی مرتکب شرک شده است، خداوند عز وجل می فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۶۵].

«برخی از مردم هستند که از میان غیرخدا، خداگونه هایی بر می گزینند و آنان را

همچون خدا ﷻ دوست می‌دارند و کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را سخت دوست می‌دارند (وبالاتر از هر چیز بدو عشق می‌ورزند)».

۲- ترک بعضی واجبات و انجام دادن برخی محرمات

کسی که نماز را سبک می‌شمارد (در حالی که بزرگترین رکن اسلام بعد از کلمه شهادتین است) و اقامه نماز صرف انجام دادن آن به نحوه خاص نیست، بلکه اقامه نماز عبارتست از ادای آن به کاملترین وجه، که آن هم با انجام شرایط، ارکان و واجبات نماز [محقق می‌شود]. و همین‌طور هر کس که در هر کدام از واجباتی که الله ﷻ بر او واجب گردانیده کوتاهی کند، یا کاری را که الله ﷻ او را از انجام آن باز داشته، مرتکب شود، چنین شخصی در واقع سبب و عامل مبتلا شدن به مصائب و عقوبت‌ها را برای خویش فراهم نموده است. و همین‌طور هر کس، فریضه الهی که بر او فرض شده است سبک بشمارد و یا مرتکب گناهی شود که خداوند او را از ارتکاب آن نهی کرده است، بدین ترتیب [بخاطر دوری از خدا] دچار بلاها و عذاب‌ها [که مسبب آن خودش است] می‌شود.

۳- غفلت از ذکر الله ﷻ

خداوند ﷻ در [قرآن کریم] می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾ [الزخرف: ۳۶].

«هرکس از یاد خدا غافل و روگردان شود، اهریمنی را مأمور او می‌سازیم و چنین اهریمنی همواره همدم وی می‌گردد و گمراه سرگشته‌اش می‌سازد» (یعش) یعنی: غافل می‌شود، اعراض می‌کند، روی می‌گرداند، روی بر می‌تابد.

بخاطر اینکه بسیاری از مردم از ذکر خداوند ﷻ روی برگردانده‌اند و کتابش [قرآن] را رها کرده‌اند، خانه‌هایشان را پر از ابزار و آلات لهو و [لعب] و غفلت پر کرده‌اند و وقت‌های خویش را با بازی و بیهودگی می‌گذرانند، لذا شیطان بر آنها سلطه پیدا کرده و آنها را به انجام گناهان برانگیخته است، و رابطه میان زوج‌هایی [همسران و شوهران] که

باهم محبت داشته‌اند و صمیمیت میان دوستان را از بین برده است، همین که خانه و قلب‌هایشان از ذکر خدا سُبْحَانَكَ يَا مَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خالی شده است، شیاطین آنها را گرفتار کرده و بر آنان چیره شده است. پس قلب‌ها را با وسوسه‌ها، اوهام و دودلی‌ها لبریز و خانه‌ها را با مشکلات و دشمنی‌ها پرکرده است. هنگامی که شخصی به خانه‌اش وارد می‌شود سینه‌اش منقبض می‌گردد [یعنی با آغوش باز خانواده‌اش را ملاقات نمی‌کند] و دلش می‌گیرد و لبخند روی لبش از بین می‌رود و بجای اینکه با همسر و فرزندان با سلام و خشرویی و مهربانی برخورد کند با چهره‌ای عبوس و ترش گرفته و زبانی بد وارد خانه می‌شود، و همسرش نیز همین رفتار یا شبیه آن را با او انجام می‌دهد پس دشمنی‌ها زیاد و مشکلات برانگیخته می‌شود، دوستی و مهربانی بین طرفین قطع می‌گردد و کارهای ناپسند، فحش و خشم و دشمنی جای دوستی‌ها را می‌گیرد. امام مسلم رحمته در کتاب صحیح خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ ذُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ، وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ ذُخُولِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ: أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ، وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ: أَدْرَكْتُمُ الْعَشَاءَ»^۱. ترجمه: «وقتی که شخص وارد خانه‌اش می‌شود و هنگام ورود و غذا خوردن خداوند عز و جل را بیاد آورد، شیطان (به همراهانش) می‌گوید: برایتان نه جایی برای گذراندن شب و نه شامی است، و هنگامی که [آن شخص] داخل می‌شود به وقت دخول ذکر خداوند را بجای نمی‌آورد شیطان می‌گوید: جایی برای شب گذراندن را یافته‌اید و اگر هنگام غذا خوردن خدا را یاد نکند، می‌گوید: جایی شب گذراندن و شام را یافته‌اید».

پاداش از نوع عمل

این یک قاعده همیشه‌گی و مکرر درباره‌ی ثواب و عقاب است [پاداش از نوع عمل]. پس کسی که بر والدینش نیکی کند، فرزندان در آینده بر او نیکی می‌کنند و کسی از

۱ - مسلم (۱۰۳)، کتاب الاشریة، جابر بن عبدای.

فرمان پدر و مادر سر پیچی کند اولادش در آینده از او سرپیچی خواهند کرد و کسی خود را از ناموس مردم پاک نگه بدارد [یعنی به ناموس دیگران تعرض نکند] مردم ناموس او را نیکو می‌دارند و بر عکس، پس همچنان که قرض می‌دهی به همان اندازه قرض می‌گیری، و در حدیث آمده است «أَحْفِظَ اللَّهُ يَحْفَظُكَ»^(۱) [حدود و شرائع] خداوند را حفظ کن تا خداوند عز وجل تورا [از بلاها، گناهان و عذابها] حفظ کند. در اینجا - در باره شکایت از سحر و چشم زخم - اینک جاری بودن این قاعده را می‌بینیم:

✽ همین که توکل مردم بر خداوند عز وجل کم شد و به برخی از اسباب مادی [غیر از الله عز وجل] اعتماد کردند و بر بعضی از آنها توکل نمودند، به همین اسباب واگذار شدند [منظور اینست، همین که آنان به سوی اسباب [غیر الله] متوجه شدند و بدانها دل بستند پس الله عز وجل نیز آنان را به حال خود رها نموده حواله اسباب می‌کند] وقتی که کسی به غیر الله توکل کند، پس ناکام و خوار می‌شود. ولی به کار گرفتن اسباب - مانند رفتن نزد پزشک هنگام بیماری - هیچ منافاتی با توکل به خداوند عز وجل ندارد، [یعنی چنین صورت استفاده از اسباب طبیعی در دنیا هیچ اشکالی بر اصل توکل وارد نمی‌کند] ولی درست نیست که بر شفا بخشی پزشک به طور مطلق اطمینان و اعتماد قلبی پیدا نمایی بلکه به خداوند یگانه اعتماد و اطمینان قلبی داشته باشی و قلبت را به سوی خداوند پاک و منزّه مرتبط گردانی.

✽ صورت دیگری که در آن انطباق (پادش از نوع عمل) را می‌بینی اینست که: بسیاری از مردم چیزهای را می‌خواهند که نفسشان طلب می‌کند، هر چند از طرف خداوند عز وجل حرام شده باشند [یعنی خداوند بخاطر ضررشان آنها را برای انسان حرام کرده است]، مانند دیدن چیزهایی که دیدن آن [برای انسان] جایز نیست، یا شنیدن صداهایی که گوش کردن آن حرام می‌باشد و همچنین سفر کردن به کشورهایی که در آن منکرات رائج می‌باشد و [در کشورهایی که] معاصی و گناهان بصورت علنی و آشکارا انجام می‌گیرد.

۱- صحیح ترمذی (۳۰۹/۲).

[در واقع] همهٔ این موارد و چیزهای شبیه آن عمل به خواهش‌های نفسانی‌شان است، پس در این صورت بر خلاف خواسته‌هایشان مجازات شدند و به پریشان حالی، ناراحتی، بیماری نفس، اندوهگینی و نا آرامی مبتلا شدند، کیفری است مناسب با اعمال و خواسته‌های آنان در دنیا [که از فرمان خدا سرپیچی کردند و بدین ترتیب دل‌های ستمدیدگان را سوزاندند، خانه‌هایشان را به آتش کشیدند و با ظلم و زور خود بر کسی رحم ننمودند، هم اینک سزاوار است که در دوزخ کیفرشان چنان و سرنوشت‌شان چنین بد باشد]. در حالیکه پروردگار تو هرگز به [بندگان] ظلم و ستم روا نمی‌دارد.

✽ همچنانکه بعضی مردم در امر فراخواندن [به حضورطلبیدن] خادمان و پیشخدمت‌های زن توسع بخرج می‌دهند و قوانین دینی را رعایت نمی‌کنند و دربارهٔ امور ممنوعهٔ شرعی تساهل بخرج می‌دهند. از جمله اینکه خادم زن بدون محرم به سفر می‌رود. و نیز اینکه گاهی اوقات میان مرد و خادمه خلوت صورت می‌گیرد یا میان زن با پیشخدمت یا راننده و سایر موارد مثل این از جمله چیزهایی که در زندگی مان از خلوت مرد با زن حاصل می‌شود و یا زنی با راننده‌ای خلوت می‌کند، و سایر موارد مثل این... پس بدین شکل برخی از آن خادمان زن و رانندگان با این عمل اسباب مبتلا شدن به سحر و جادوها و بلاها را فراهم می‌آورند.

حکم سحر و رفتن به نزد فالگیران

علمای اسلام اتفاق نظر دارند بر اینکه: [بر مریض جایز نیست که پیش فالگیران (کاهنان) که ادعای دانستن غیب را می‌کنند و (مردم را بدین صورت به سوی خود فرا می‌خواند) برود تا بوسیله آنها بیماری خود را تشخیص بدهد. همچنانکه برای شخص جایز نیست، آنچه را که کاهنان او را خبر می‌دهند تصدیق نماید. زیرا آنها از روی شک و تردید از غیب سخن می‌گویند. یا آنها جن را احضار می‌کنند و بوسیله آنها بر آن چه که می‌خواهند استعانت می‌جویند و کار اینها کفر و ضلالت است چون که اینها ادعای امور غیبی را می‌کنند. امام مسلم رحمته الله در کتاب صحیحش روایت کرده است که آن حضرت رحمته الله می‌فرماید: «مَنْ أَتَى عَرَافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ فَصَدَّقَهُ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا»^(۱).

«هر کس پیش عرافی (عراف کسی است که جای گم شده و مال دزدی شده را نشان می‌دهد) رفته و از او در مورد چیزی بپرسد و آن را راستگو شمارد، تا چهل روز نمازی از او پذیرفته نخواهد شد). حضرت ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که: «مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^(۲) «هر کس پیش فالگیری (کسی است که ادعای علم غیب می‌کند و بوسیله ستارگان مردم را از غیب خبر می‌دهد) برود و بر گفته‌هایش صحه بگذارد، او از آنچه که بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده سرباز زده است». ابوداود این حدیث را روایت کرده و اصحاب سنن اربعه آنرا تخریج کرده‌اند. و از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَيْسَ مِنْنا مَنْ تَطِيرَ أَوْ تَطِيرَ لَهُ، أَوْ تَكْهِنَ أَوْ تَكْهِنَ لَهُ، أَوْ سَحَرَ لَهُ، وَمَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ» «از ما نیست کسی که فال بگیرد، یا برایش فال گرفته شود یا مرتکب

۱- آنکه به نزد عرافی بیاید (عراف کسی است که جای گم شده و مال دزدیده شده را نشان می‌دهد) و در باره چیزی از وی پرسش نموده و آن را راستگو شمارد، چهل روز نمازش قبول نشود.

۲- ابو داوود ۳۹۰۴.

کهانیت شود یا برای او کهانیت انجام داده شود یا ساحری بکند یا برایش ساحری کرده شود و هر کس پیش کاهنی رفته و بر گفته‌هایش صحه بگذارد به آنچه که بر محمد ﷺ نازل شده کفر نموده است». [بزاز با سند قوی آنرا روایت کرده است]. در این احادیث دلیل کافر بودن کاهن و ساحر وجود دارد زیرا که آنها ادعای دانستن علم غیب می‌کنند. در حالی که این [اعتقاد و عمل] کفر محسوب می‌شود چرا که ساحر و کاهن جز با به خدمت گرفتن جن و عبادت کردن آن به هدف‌شان دست نمی‌یابند در حالی که آن کفر و شرک به خداوند پاک و منزّه است و همچنین تصدیق‌کننده آن نیز دچار کفر و شرک می‌شود و کسی که بدان معتقد باشد مانند آنان می‌باشد. و هر کس که بر این کارها مشغول شود و از آنها سحر و جادو بگیرد به تحقیق [خدا] و رسولش ﷺ از او بیزار می‌شوند.

سحر (جادو) از محرّمات کفرآمیز است. همچنان‌که خداوند ﷻ در مورد دو فرشته می‌فرماید: ﴿وَمَا يُعْلِمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا خُنَّ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۗ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۗ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۗ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۲﴾﴾ [البقرة: ۱۰۲].

ترجمه: «دو فرشته‌ای که طریق سحر کردن را برای آشنایی به طرز ابطال به مردم یاد می‌دادند و به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند مگر اینکه پیشاپیش بدو می‌گفتند: ما وسیله آزمایش هستیم کافر نشو (وآنچه به تو می‌آموزیم به آشوب و کفر منتهی می‌گردد. آن را بشناس و خویشتن را از آن بدور دار. لیکن مردم نصیحت نپذیرفتند و از آموخته‌هایشان سوء استفاده کردند) که با آن میان مرد و همسرش جدایی می‌افکندند (آری این شیطان‌صفتان گناه‌پیشه کفر ورزیدند، چون این‌گونه یاوه‌گویی‌ها و افسانه‌سرایی‌ها گذشتگان را به هم بافتند و آن را وسیله آموزش جادو به یهودیان کردند) و حال آنکه با چنین جادوی (خویش) نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست

خدا باشد و آنان قسمت‌هایی را فرا می‌گرفتند که بر ایشان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشت و به ایشان سودی نمی‌رساند. و مسلماً می‌دانستند هر کس خریدار اینگونه متاع باشد. بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته (و آن را پیشه خود ساخته‌اند) اگر می‌دانستند (و علم و دانشی می‌داشتند) پس این آیه کریمه بر کفر بودن سحر دلالت می‌کند. و از خداوند عز و جل مسئلت می‌داریم که ما را از شر ساحران و جادوگران (کاهنان) و شعبده‌بازان محفوظ بدارد و همچنان که از خداوند عز و جل مسئلت داریم که مسلمانان را از شرشان نجات بدهد و به مسلمانان توفیق برحذر ماندن از آنان و اجرای حکم عز و جل درباره آنان عنایت بفرماید تا اینکه بندگان از ضرر و اعمال بدشان راحت بشوند. همانا خداوند بسیار بخشنده و کریم است. این قسمت خلاصه بیانات شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته الله علیه بود که پایان یافت.

چگونه از شر سحر و چشم زخم در امان بمانیم

براستی که الله سبحانه برای بندگانش چیزهایی را مشروع فرمود که بوسیله آن از شر سحر و چشم زخم، قبل از وقوعشان خود را برهانند و او سبحانه و تعالی راه علاج آنها را نیز بیان فرموده و این کار را بخاطر رحمتش بر بندگان و احسان برکات و بنابه اتمام نعمت خود بر آنان فرموده است.

از جمله وسایل محفوظ و در امان ماندن [از سحر و جادو]

توکل بر خداوند عَلَيْهِ السَّلَام: توکل به خداوند عَلَيْهِ السَّلَام بزرگترین وسیله دفع آفات و سودمندترین چیزی است که به وسیله آن خواسته‌ها برآورده می‌شود، پس هر کس به خداوند عَلَيْهِ السَّلَام توکل کند، خداوند عَلَيْهِ السَّلَام در همه امورش برای او کافی است. خداوند عَلَيْهِ السَّلَام [در قرآن کریم] می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [الطلاق: ۳]. «هر کس بر خداوند عَلَيْهِ السَّلَام توکل کند (و کار و بار خود را بدو واگذارد) خدا او را بسنده است».

اطاعت اوامر الهی و اجتناب از نواهی او: هر کس اوامر و نواهی خداوند عَلَيْهِ السَّلَام را بجا آورد (در حفظ آنها کوشش نماید) خداوند عَلَيْهِ السَّلَام دین، دنیا، خانواده و مالش را حفظ خواهد کرد.

کثرت یاد خداوند عَلَيْهِ السَّلَام: ذکر خداوند عَلَيْهِ السَّلَام از طریق تلاوت قرآن کریم، تسبیحات [سبحان الله گفتن]، سپاس و ستایشات [الحمد لله گفتن]، به نیکی یاد کردن، توبه به سوی خداوند و تهلیل و تکبیر و استغفار و درودفرستادن بر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. اینها از سودمندترین وسایلی است که بنده نفسش را بوسیله آن حفظ می‌کند. امام أحمد و ترمذی از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده‌اند که [آن حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید]: خداوند عَلَيْهِ السَّلَام به یحیی بن زکریا امر فرمود که به پنج کلمه عمل کند و بنی اسرائیل را نیز به انجام دادن آن دستور دهد، این دستورات عبارتند از اینکه: آنها را به ذکر خداوند عَلَيْهِ السَّلَام امر کن، مثال آن مانند مردی است که تحت تعقیب دشمن است، در این حین به قلعه محکمی می‌رسد و به آن پناه می‌برد،

پس بدین وسیله خود را با پناه بردن به دژ حفظ می‌کند. همین‌طور است؛ بنده نفس خود را از دست شیطان حفظ نمی‌کند مگر با یاد خداوند عَلَيْهِ.

از جمله این اذکار:

الف - قرائت آیت‌الکرسی؛ هنگام رفتن به رختخواب، چرا که آیت‌الکرسی همواره یک نگهبان از جانب الله عَلَيْهِ بر تو است و با خواندن [آیت‌الکرسی قبل از خواب] شیطان تا صبح [نزدیک تو] نمی‌گردد، چنانکه برای خواندن آن بعد از هر نماز فرض تأکید و تشویق شده است.

ب - خواندن سوره بقره، در خانه‌ای که سوره بقره خوانده می‌شود شیطان از آن خانه فرار می‌کند.

ج - خواندن دو آیه آخر سوره بقره؛ پس کسی که در شب آن دو آیه را بخواند، آن دو آیه او را کفایت می‌کنند، چرا که خداوند عَلَيْهِ بر معنای آن واقف است و [بندگان] را از هر بدی باز می‌دارد. (والله اعلم)

د - اذکار مرتبه اوقات صبح، شام، هنگام پیاده شدن، وارد و خارج شدن از منزل، سوار مرکب شدن و اذکاری که در سایر مناسبات وارد شده‌اند.

ه - تعویذ کودکان همان‌گونه که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضرت حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام را تعویذ می‌کرد: «أَعِيذُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَا مَهَةَ!». «من شما دو نفر را با کلمات تامه خداوند عَلَيْهِ از شر هر شیطان و سوسه‌گر و از شر هر چشم بد تعویذ می‌کنم».

و - به بسیار خواندن «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» در شب و روز و هنگام پیاده شدن یا وارد شدن در ساختمان، صحرا، فضا و یا در دریا.

از دیگر اسباب جلوگیری [از سحر و چشم‌زخم]:

عبارتند از:

✽ جلوگیری از خروج کودکان از منزل هنگام غروب، رسول الله ﷺ فرموده است: «إِذَا كَانَ جُنْحُ اللَّيْلِ - أَوْ أَمْسَيْتُمْ - فَكُفُّوا صِيَّائِكُمْ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْتَشِرُ حِينَئِذٍ، فَإِذَا ذَهَبَ سَاعَةٌ مِنَ اللَّيْلِ فَخَلُّوهُمْ!». «هنگامی که آغاز شب باشد - یا فرمود هنگامی که وارد شامگاهان شدید - بچه‌های خردسال‌تان را مواظبت کنید زیرا در این هنگام شیطان‌ها منتشر می‌شوند و چون پاسی از شب گذشت آنها را آزاد بگذارید (به هر جا که بخواهند بروند) جُنْحُ اللَّيْلِ یعنی: آغاز شب بعد از غروب خورشید و چیرگی سیاهی.

✽ زدودن خانه از آلات سنگی، مجسمه‌ها، عکس‌ها و سگ‌ها که موجودات ذی روح هستند. از پیامبر اکرم ﷺ ثابت است که فرشتگان به خانه‌ای که این چیزها [یعنی سگ، عکس‌های ذی روح و مجسمه‌ها] هستند، وارد نمی‌شوند و همچنین پاکسازی خانه از وجود آلات لهو و لعب و نغمه و سایر آلات [نیز جزو اسباب جلوگیری از سحر و چشم زخم می‌باشد].

✽ خوردن هفت دانه خرماي عجوه در صبح (نوعی خرما، که در مدینه موجود است). بخاری و مسلم از آن حضرت ﷺ روایت کرده‌اند که: «مَنْ تَصَبَّحَ بِسَبْعِ تَمْرَاتٍ عَجْوَةٍ لَمْ يَضُرَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَمٌ وَلَا سِحْرٌ»^(۲). «هر کس صبحگاهان هفت دانه خرماي عجوه بخورد، سم و سحر در آن روز ضرری به او نخواهند رسانید». حضرت شیخ عبدالعزیز رحمته می‌فرماید: امید است [کلمه خرما] که آن شامل همه نوع خرماها شود، چرا که معنی در تمام انواع خرماها موجود است. پس این معنی [خرما] به صورت عام موجود است.

۱- رواه البخاری و مسلم، کتاب الاشریه، باب ۱۲، حدیث ۹۷.

۲- رواه البخاری و مسلم، کتاب الاشریه، باب ۲۷، حدیث ۱۵۵.

روش معالجه

حضرت ابن قیّم رحمته اللہ علیہ فرموده است: «از سودمندترین (وسایل) علاج‌های سحر داروهای معنوی است، آری ادویه‌های معنوی به ذاته داروهای سودمند هستند. پس اگر قلب انسان مالمال از [خوف و عظمت] خداوند و لبریز از ذکر او تعالی باشد و انسان دعا و ذکر و تعویذاتی را ورد کند که این دعاها [اذکار] و تعویذات بر او اثر می‌گذارد و هیچ خللی در او بوجود نمی‌آید و بر قلب و زبانش مطابق می‌شود، و این از بزرگترین اسباب‌هایی است که از اصابت سحر و نظر بد بر انسان جلوگیری می‌کند و این کار از بزرگترین معالجات سحر بعد از مبتلا شدن به آن می‌باشد.

✽ معوذتان^(۱)

امام بخاری و مسلم رحمتهما اللہ علیہما از حضرت عایشه رضی اللہ عنہا روایت کرده اند که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم هنگامی که از دردی می‌نالید، دو سوره فلق و ناس را خوانده، بر خود دم می‌کردند. حضرت ابن قیّم رحمته اللہ علیہ می‌فرماید: «منظور از این کلام درباره این سوره، بیان منفعت‌های عظیم این دو سوره و شدت احتیاج و بلکه ضرورت به آنها [در این مواقع] است، و اینکه هیچ کس از آن بی‌نیاز نیست و اینکه این دو سوره تاثیر بسزایی در دفع سحر و چشم زخم و دیگر شرارت‌ها دارد. چه بسا احتیاج انسان به استعاذه با این دو سوره بیشتر و مهم‌تر از احتیاج انسان به نفس، غذا، نوشیدنی و لباس می‌باشد.

✽ خواندن سوره فاتحه

روزی عده‌ای از صحابه کرام رضی اللہ عنہم در حال مسافرت بودند که از قبیله‌ای عبور کردند،

۱- (مترجم)- دو سوره‌ای که با [قُلْ أَغُوذُ] شروع می‌شود، یعنی؛ سوره‌های فلق و ناس.

رئیس آن قبیله را [عقرب یا مار گزنده‌ای] گزیده بود، یکی از صحابه کرام وی را با سوره فاتحه تعویذ کرد که آن شخص [رئیس قبیله] بلند شد طوری که گویا اصلاً چیزی به او اصابت نکرده بود. پس وقتی که پیامبر اکرم ﷺ را از جریان با خبر کردند، آن حضرت ﷺ تبسم نمود و کارش را با سکوتش تأیید فرمود.

حضرت ابن‌قیم رحمته فرمودند: [در مکه مکرمه زمانی بر من گذشت که در آن وقت مریض شدم، طیب و دوا در آنجا نبود، پس به وسیله سوره فاتحه خودم را معالجه می‌کردم و مقداری از آب زمزم را می‌گرفتم و در آن [سوره فاتحه] را می‌خواندم و در آب دم می‌کردم] پی در پی خواندم و آب را نوشیدم، و بدین وسیله سلامتی کامل‌ام را یافتم، سپس با اطمینان کامل از آن به بعد در بیشتر دردها از این روش استفاده می‌بردم و بدین صورت از آن بیشترین فایده را بردم^(۱).

✽ از دعاهای گرانقدر

«اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ أَذْهِبِ الْبَاسَ، اشْفِهِ وَأَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا.» «بار خدایا! ای خدای انسانها سختی و دشواری (مرض) را از من دور بگردان، مرا شفا بده همانا تو شفادهنده هستی و هیچ موجودی غیر از تو شفا نمی‌کند مگر تو شفا می‌کنی و چنان شفا دادنی که پس از آن هیچ‌گونه بیماری باقی نماند.»

دستت را بر روی جایی که درد در همان قسمت بدنت است قرار بده و بگو: بسم الله (سه بار) وهفت مرتبه می‌گویی: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأَحَاطِرُ.» «من به عزت و قدرت خدا پناه می‌برم از بدی چیزی که می‌یابم، از درد در حال حاضر و می‌ترسم از زیادت و سرایت آن در مال.»

«بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ؛ اللَّهُ يَشْفِيكَ بِسْمِ اللَّهِ

أَرْقِيكَ^(۱)» «به نام خداوند ﷻ تو را از هر چیزی که اذیت و ضرر به تو می‌رساند و از شر هر نفس بد یا چشم حسود رقیه می‌کنم خداوند تو را شفا بدهد و به نام خداوند ﷻ تو را تعویذ می‌نمایم».

✽ از جمله علاج سودمند برای سحر (غیر از بلاها): توبه کردن به سوی خداوند ﷻ و زیادی استغفار است چرا که همین گناهان اسباب گرفتاری و مصیبت‌ها و بلاها هستند و توبه هم در واقع دواي آنها (مصیبت‌ها و بلاها) است. نبی خدا حضرت صالح عليه السلام خطاب به قومش چنین فرمود: ﴿لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [النمل: ۴۶]. «اگر چه شما بسوی خدا ﷻ استغفار کنید، شاید که (خداوند) بر شما رحم بیاورد و گناهان شما را ببخشد». پس نفست را محاسبه کن و در کارهایت جستجو نمای همانا آنچه که از طرف نفست [خطائی] را مرتکب شدی خواهی یافت زیرا که خداوند ﷻ بر بندگانش ظلم نمی‌کند (و این انسان‌ها هستند که با انجام گناهان خود از خداوند ﷻ روی برمی‌گردانند و بر خود ظلم می‌کنند».

معالجه کسی که بر اثر اصابت سحر نمی تواند با همسرش همبستر بشود

علاوه بر اسبابی که قبلاً برای علاج سحر گفتیم، حضرت شیخ عبدالعزیز بن باز رحمته می فرماید: [برای معالجه سحر بعد از اینکه دچار آن شدید - مخصوصاً برای مردانی این معالجه سودمند است که به سحر دچار شدند و در اثر سحر نمی توانند با همسرشان همبستر شوند - هفت برگ سدر سبز (نوعی گیاه) را بگیرد سپس آنرا با سنگ و یا هر وسیله‌ای له بکند و آن برگ‌های کوبیده شده را در ظرفی بریزد و روی آن مقداری آب که برای غسل لازم است بریزد. و آیت‌الکرسی و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و آیات سحری که در سوره أعراف وجود دارند، بخواند که آن آیات فرموده خداوند سبحان اند که می فرماید: ﴿ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۚ إِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿۱۱۷﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۱۸﴾ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿۱۱۹﴾ [الأعراف: ۱۱۷-۱۱۹]. «وبه موسی وحی کردیم که عصای خود را بیندازد. ناگهان(بصورت اژدهائی در آمد) و بسرعت آنچه را به هم می‌بافتند(و تزویرهائی را که می‌نمودند) همه را بلعید. پس حق (یعنی صدق موسی) ثابت و ظاهر گردید و آنچه آنان می‌کردند باطل شد و پوچ از آب در آمد. در آنجا(که فرعون و فرعونیان گرد آمده بودند). شکست خوردند و خوار و رسواتر گشتند».

و نیز این آیات سوره یونس را بخواند که خدای سبحان می فرماید: ﴿ وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُونِي بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ ﴿۷۶﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةُ قَالَ لَهُم مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿۷۷﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۷۸﴾ [یونس: ۷۶-۸۱].

«فرعون گفت: همه جادوگران ماهر و زبر دست را به پیش من بیاورید (تا کار این

جادوگر را بسازیم). هنگامی که جادوگران گرد آمدند، موسی به ایشان گفت: (هر چه از فنون سحر می‌دانید بکار بندید و) آنچه می‌توانید بیندازید و بیفکنید تا ببینیم. هنگامی که (ریسمان و عصاهای خود را) انداختند. موسی گفت: آنچه ارائه دادید واقعا جادوست، قطعاً خداوند آن را پوچ و نابود خواهد کرد و (جای شگفت نیست، چرا که) خداوند کار تبهکاران را ابقا و دوام نمی‌بخشد و شایسته و سودمند نمی‌گرداند. خداوند با سخنان خود (بر انبیاء نازل می‌کند) حق را پایدار و ماندگار می‌گرداند هر چند که گناهکاران و بزهکاران نپسندند».

و آیاتی که در سوره طه است: ﴿قَالُوا يَمْوَسِيَّ إِيمَانًا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَانًا أَنْ نَكُونَ أَوْلَ مَنْ أَلْقَى﴾ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقَوْا فَأَصْبَحُوا وَعِصِيَّتَهُمُ تُحْيِلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُ تَسْعَى ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٦٨﴾ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَحِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٦٩﴾ [طه: ۶۵-۶۹].

«(جادوگران بار به غیب انداخته) گفتند: ای موسی آیا تو اول (هنرنمایی خود را می‌کنی و عصای خود را) می‌اندازی، یا اول (دست بکار شویم و اسباب و ادوات جادوی خویش را) بیندازیم (و کار تو را یکسره سازیم). (موسی) گفت: شما اول (شروع کنید و آنچه دارید جلو) بیندازید، (آنان طناب‌ها و عصاهای خود را انداختند، موسی) چنان به نظرش رسید که بر اثر جادوی ایشان، بناگاه طناب‌ها و عصاهای آنان مار شدند و می‌خزیدند و تند راه می‌روند. گفتیم: مترس! حتماً تو برتری (و بر آنان چیره می‌شوی و کارهای باطل‌شان را شکست خواهی داد. و چیزی را که در دست راست داری بیفکن تا همه ساخته‌های (مزورانه و شعبدبازی‌های مکارانه) ایشان را بسرعت ببلعد. چرا که کارهایی را که کردند نیرنگ جادوگری است و جادوگر هر کجا برود پیروز نمی‌شود».

و بعد از خواندن آنچه بیان شد [ذکر، دعاها و آیات] در آب مقداری از آن را بنوشد و با بقیه آن غسل نماید و بدین وسیله *إن شاء الله تعالی* دردت بر طرف خواهد شد و اگر

برای استفاده از این روش به دو مرتبه یا بیشتر نیاز داشت پس مشکلی نیست این کار را انجام دهد تا اینکه درد از بین برود.^(۱)

۱- مترجم ملاحظه بفرمایید، روش بزرگان در برخورد با این مسائل همواره به صورت علمی و آگاهی از علت دردها است نه به شیوه های خرافی و گمراه کننده.

معالجه کسی که مبتلا به چشم زخم شده است

- ۱- تعویذ با قرآن و ادعیه مبارکه همانطوری که قبلاً ذکر شد.
 - ۲- شخصی که گمان می‌رود او چشم زخم کرده است، از او خواسته شود تا غسل کند بدلیل فرموده پیامبر اکرم ﷺ که می‌فرماید: «الْعَيْنُ حَقٌّ وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ سَابِقَ الْقَدَرِ سَبَقَتْهُ الْعَيْنُ وَإِذَا اسْتَغْسَلْتُمْ فَأَغْسِلُوا»^(۱). «نظر حق است و اگر چیزی می‌توانست بر تقدیر پیشی بجوید همانا نظر بر آنان پیشی می‌جست و هر گاه به غسل دادن خواسته شدید (جهت رفع نظر) غسل کنید».
- در حدیث شیوه غسل آمده است: به شخص چشم زخم کننده دستور داده می‌شود تا وضو بگیرد پس او صورت و دو دستش را تا آرنج‌ها و زانو و درون ازارش را بشوید سپس [آن آب که او غسل کرده است را] بر روی شخصی که چشم خورده است بریزند؛ معنای لفظ یكفأ الإناء من خلفه [که در روایت است] اینست که: از پشت سر چشم خورده، یعنی یک دفعه و غافل‌گیرانه آب‌ها را روی او بریزند و لفظ «داخله ازاره» [که در حدیث آمده] را برخی از اهل علم به قسمت داخلی شلوار که با بدن در ارتباط است تفسیر کرده‌اند. جناب شیخ محمد العثیمین می‌فرماید: «وشاید یکی از مصادیق آن (داخله ازار) قسمت داخلی چفیه سر مردان و کلاه و پیراهن شخص [چشم زننده] باشد»^(۲).

۱- رواه مسلم - مترجم - در النهاية ابن اثیر، ج ۳، ص ۳۶۸ در مورد ترتیب غسل به طور کامل توضیح داده شده است.

۲- مجموعه فتاوی شیخ محمد العثیمین، ج ۱، ص ۱۳۶.

چگونه خود را تعویذ بنمائید

زمانی که مسلمان دچار بیماری شود برایش جایز است که در جستجوی یک شخصی بگردد که دارای صلاح، تقوا، حلالی و پاکی رزق بوده و امید اجابت دعایش برود و از این شخص بخواهد تا او را تعویذ کند لیکن بهتر اینست که این کار را نکند چراکه ترک آن از کمال توکل است همچنان که ترک آن از صفات کسانی است که بدون حساب و عذاب وارد جنت می شوند. اگر امروزه کسی به احوال مردم نظری بیفکند مشاهده می کند که بسیاری از آنها به طرف هر شخصی که ادعای تعویذ کننده ای و طالع بینی را بکند، می شتابد. به طرف کسانی می شتابند که اهل صلاح نیستند بلکه چه بسا شعبده باز و کاهن می باشند، و این بدان جهت است که جهل عام شده و بسیاری از مردم مسأله دینشان را، مسأله ساده پنداشته اند، بنابر این بسیاری از مردم در کار دینشان دقت و عمق نظری نکردند، لذا این امریکه زمینه وسیع و یک میدان بازی یا برای بعضی افراد فاسد فراهم آورده تا اینکه ادعای رقیه یا تعویذ شرعی بنمایند در حالی که آنان هرگز شایستگی این کار را ندارد لذا ای مسلمان بر ارتقاء نفست بوسیله خویشتن تمسک بجوی و بدان که خداوند ﷻ می فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر: ۶۰]. «خداوند ﷻ فرمود، مرا با خلوص دل بخوانید تا دعای شما اجابت کنم». اینکه عذر می آورید که گناهکار و مقصر هستید و می ترسید که مبادا دعایتان اجابت نشود این یک امر پسندیده است. لیکن این حسن کامل نمی شود مگر اینکه با ترس و امید همراه باشد تا اینکه همه احوالات و اعمال تو مطابق شرع صحیح باشد^(۱). پس همان گونه که تو از گناهانت می ترسی، امیدوار رحمت الله ﷻ باش و هنگامی که بنده نسبت به پروردگارش حسن ظن داشته باشد و اعمال نیکو انجام بدهد و [با انجام اعمال نیک] در اصلاح احوال خویش بکوشد و

۱- «أدعوه خوفاً و طمعاً» [اعراف/۵۶]. خدا را هم از راه ترس و هم از روی امید بخوانید.

از گناهان توبه نماید، رحمت الله ﷻ بر نیکوکاران نزدیک او در حدیث قدسی آمده است: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي»^(۱) من نزد گمان بندهام نسبت به خودم هستم، یعنی: همان گونه که بندهام نسبت به من گمان داشته باشد من همان گونه با او رفتار خواهم کرد بنابر این نسبت به پروردگارت حسن ظن داشته باش و از بدگمانی به الله سبحانه و تعالی بپرهیز.

تعویذ

فواید تعویذ خود بوسیله خویشتن، از جمله

❁ کمال پیروی از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: اگر شخصی از اشخاص خانه آن حضرت صلی الله علیه و آله پیش وی از دردی شکایت می‌کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را با معوذات دم می‌کرد.

❁ کمال توکل به خداوند عز و جل: اصرار بر دعا برای استجابت [این شیوه تعویذ که خودت را تعویذ نمایی] به اجابت دعا نزدیکتر است، برای اینکه دعای کسی مورد استجابت قرار بگیرد باید با گریه و صبر برای استجابت آن کوشش نماید، اگر کسی تلاش نکند و برای اجابت آن بی‌صبر و خشمگین شود، دعایش مستجاب نمی‌شود، چرا که انسان محتاج است و به آن نیاز دارد. در اجابت آن [با گریه وزاری] اصرار بورزد و برآشفته نشود.

❁ خود را از نیرنگهای بعضی از دجال صفتان حفظ بکنند.

محافظت زنان از نظر دیگران_ هنگامی که اهل خانه‌ات را تعویذ یا اینکه آنها خود را تعویذ کردند_ آنها از تعرض مردان اجنبی مصون می‌مانند.

کیفیت تعویذ

سوره فاتحه را بخوانید، سپس بر جایی که در آن درد دارد تف بکنید (یا بر مریضی که می‌خواهی آن را تعویذ کنی) و همچنین سوره (فلق) سوره (ناس) و سوره‌ها و آیات تعویذ و دعاها را شرعی را بخوانید.

تفاوت بین کهنات، ساحری و شعبده بازی با تعویذ شرعی:

صفاتی که باعث تشخیص کاهن (جادوگر)، ساحر، شعبده باز با قرائت کننده (تعویذ)

شرعی می‌شود، عبارتند از:

ساحر و کاهن و شعبده باز از اسم مریض و اسم مادرش سؤال می‌کنند.

۱- گرفتن نشانه‌هایی از مریض، مانند کلاه گیس.

- ۲- اینکه درخواست ذبح حیوان بخصوصی با صفات مشخصی را بکند، و دستور مخلوط کردن قسمتهایی بدن با خون حیوان ذبح شده بکند.
- ۳- نوشتن کلمات طلسم یا حروف قطعه قطعه در سحر.
- ۴- با کلام غیر مفهوم و ناتمام حرف می‌زند.
- ۵- چیزی به مریض می‌دهد که در زمین دفنش بکند یا در منزل مخفی نماید.
- ۶- به وسیله معلومات مخصوص از زندگی مریض خبر می‌دهد.
- ۷- نمایان بودن نشانه‌های فسق در او: مثل تراشیدن ریش، خیلی دراز بودن لباس، دراز کردن سیبل‌ها و تنبلی در شرکت کردن در نماز جماعت. در این مورد نشانه‌های زیادی غیر از این وجود دارد.

تنبیها

هدف از بجای آوردن اذکار: عبادت خداوند عز وجل و اشتیاق در آنچه از ثواب و اجر عظیم نزد خداوند عز وجل است از ثواب و اجر عظیم - اما آنچه که از منافع دنیوی حاصل می‌شود. مانند حفاظت خودت و حفظ اهل خانه و مال از آفات، اینها مسأله اصلی نیستند و چرا که نباید مقصود از این دعاها تنها کسب دنیوی باشد [و چنین هدفی درست نمی‌باشد بلکه اخلاص، عبادت و بندگی خداوند است که به قرب الهی برسی.

اگر هدف رضایت خدا باشد، اهداف فرعی نیز حاصل می‌شود (مانند جان، مال و اهل خانه). ولی تنها حفظ منافع دنیوی باشد به هدف اصلیت که رضایت خدا است، نخواهی رسید و باعث نابودی منافعت می‌شود].

اگر از وجود ساحر، جادوگر یا غیب گو با خبر شدی لازم است، کسانی که مسئول هستند خبر دار کنی (مانند مراکز نجوم)^(۱). بنا به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که می‌فرماید: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَ ذَلِكَ أضعفُ الأیمان»^(۲).

«هر یکی از شما کار بدی را مشاهده بکند، بایستی آن را با دستش تغییر دهد، اگر قدرت آن را ندارد باید با زبانش (آنرا تغییر دهد) اگر قدرت آن را (هم) ندارد پس در دلش (آن را زشت بیندارد) و این ضعیف‌ترین (شعبه) ایمان است.»

برجهای فلکی (ستارگان) که در بعضی کتابها و مجلات نوشته شده است، از رصدهای

۱- (مترجم) البته نویسنده موقعیت منطقه خود را بیان کرده است که احیاناً چنین مراکزی برای جلوگیری از فعالیت این گروه سود جو وجود دارد. شاید منظور از.

۲- رواه مسلم.

حرام است^(۱). زیرا آن ادعا بر علم غیب است که هیچ کس جز خداوند وَعَلَّمَ نمی‌داند. و از امام احمد، ابو داوود و ابن ماجه روایت شده است که پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «مَنْ اقْتَبَسَ عِلْمًا مِنَ الشُّجُومِ اقْتَبَسَ شُعْبَةً مِنَ السَّحْرِ، زَادَ مَا زَادَ»^(۲). «کسی که از ستاره‌ها علمی را دریافت نماید همانا شاخه‌ای از سحر را دریافت کرده است و هر اندازه که از علم ستاره‌شناسی بیاموزد از سحر انباشته است».

اگر کسی بر چیزی خیره شد و از خودش ترسید که مبادا به دیگری با نظرش ضرری برساند پس بر او لازم است که مبارک باد بگوید. پیامبر اکرم ﷺ خطاب به مردی که به دیگری نظر بد کرده بود فرمود: چرا مبارک باد نگفتی؟ و در حدیثی دیگر آمده است: «إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ مِنْ أَخِيهِ مَا يُعْجِبُهُ فِي نَفْسِهِ أَوْ مَالِهِ، فَلْيُبْرِكْ عَلَيْهِ؛ فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ». «اگر یکی از شما را جان و مال برادر مسلمانش تعجب و پسندش واقع شود باید برای او دعای برکت نماید. زیرا چشم حق است. [امام احمد و حاکم و غیره روایت کردند]، و در روایتی: «فلیدع له بالبركة».

ابن قیم رحمته می‌فرماید: [بایستی بگوید که: اللهم بارک علیه] و ابن عبدالبرّ می‌فرماید: صورت تبرک اینست که بگوید: «تبارک الله أحسن الخالقين اللهم بارک فيه» «خداوندا تو بهترین آفریدگار هستی او را از نظر بد پاک گردان»^(۳) و هذا الله أعلم و صلی الله وسلم و بارک علی نبیا محمد و علی آله و صحبه.

۱- (مترجم) البته استفاده از ستارگان و بروج فلکی برای تشخیص مسیر و پیشبینی آب و هوای مناطق که با علم قطعی ثابت می‌شود، هیچ منافاتی با غیب ندارد زیرا یک امر مسلم عینی است نه یک مسئله غیبی که این امکان‌پذیر است. این گفته‌ها ستاره‌شناسی‌های قدیم باشد که بر اساس شک و پیشگویی‌های غیر عینی صورت می‌گرفت یا اختر شناسی‌هایی که امروزه به صورت فرضیه و گمان ارائه می‌شود و هنوز به مرحله ثبوت و قطعیت نرسیدند.

۲- رواه امام احمد و الحاکم و سایرین، ابوداود (۳۹۰۵) احمد بن حنبل (۲۲۷/۱—۳۱۱).

۳- التمهید، ج ۶، ص ۲۴۱.

کلمات نامأنوس در کتاب، برگرفته از فرهنگ عمید

استعاده: مص. [ع] «استعاده» (ا.ت.ذ) استعادت: پناه گفتن، پناه خواستن، پناه جستن، پناه بردن، کلمه أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ گفتن.

استعانت: مص [ع] «استعانه» (ا.ت.ن) یاری خواستن، یاری جستن، کمک خواستن، یاری گفتن.

اوهام: [ع] (أ) خیالات و پندارها، جمع وهم.

برجهای فلکی: برج_ا. [ع] (ب) هر یک از دوازده بخش فلک: حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت، بروج جمع. فلک: سپهر، گردون، مدا هر یک از سیارات.

تعویذ: مص. [ع] [ت.و] پناه دادن، در پناه آوردن، حفظ کردن کسی و نیز بمعنی دعاهائی که بر کاغذ می نویسند و بگردن یا بازو می بندند برای رفع چشم زخم و دفع بلا و آفت، تعاویذ جمع.

تهلیل: مص. [ع] [ت.ل] «مأخوذ از هیلله» تسبیح کردن، لا اله إلا الله گفتن.

توسّع: مص. [ع] (ت.و.س) فرخ شدن، گشاده شدن، فراخ نشستن، فراخی، آسان گرفتن.

حجّام: ص. [ع] (ح.ج) حجّامت کننده، خونگیر، کسی که کارش حجّامت کردن و خون گفتن است.

رصد: ا. [ع] (ر.ص) طریق، راه، مراقب، نگهبان، گروه، در اصطلاح منجمان: جائی که ستاره شناسان برای خود درست می کنند و از آنجا با آلات و ادوات مخصوص ستاگان را زیر نظر قرار می دهند، در فارسی رصدگاه و رصدخانه نیز می گویند.

رُقِیَّه: افسون، طلسم، جادو، سحر.

طالع بینی: طالع_ا. فا. [ع] (ل) طلوع کننده، بر آینده / ماه نو، هلال، حالت نموداری

ستارگان/ بخت، اقبال، سرنوشت و طالع بینی علمی است که توسط رصد کردن ستارگان از آینده و بخت و اقبال انسان خبر می دهند.

عبوس: ص. [ع] [ع. ب] بسیار ترشرو، بد اخم، اخمو.

عقاب: مص [ع] [ع] سزای گناه و کار بد کسی را دادن، شکنجه کردن، عذاب، شکنجه.

غل و غش: غل- ا. [ع] [ع. ل] حقد، کینه، / غش: ا. مص. [ع] [ع. ش] خیانت، حقد، سیاهی قلب، تیرگی در هر چیز.

قاعده: ا. فا. [ع] «قاعده» (ع. د) مؤنث قاعد/ بنیان، اساس، پایه، اصل، قانون.

کاهن: ص. [ع] [و] غیب گو، مرد روحانی در نزد مصریان قدیم و یهود و نصاری، کهنه جمع.